روزنامه شرق

ولادت حضرت علی اکبر(ع) و روز جوان را تبریک می‌گوییم

شنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ • ۱۱ شعبان ۱۴۳۹ • ۲۸ آوریل ۲۰۱۸

سال پانزدهم • شماره ۳۱۳۴ • ۱۶صفحه • ۲۰۰۰ تومان

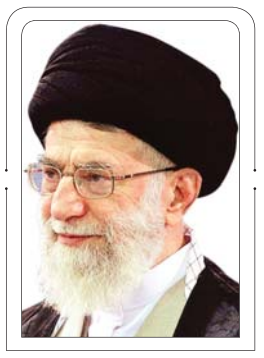

مقام معظم رهبری:

ایران با عمل به قرآن مقابل آمریکا ایستاده و پیشرفت کرده است

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: شرکت‌کنندگان در سی‌وپنجمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم صبح پنجشنبه با مقام معظم رهبری دیدار کردند. در این مراسم استادان و نفرات برگزیده مسابقات، به قرائت قرآن پرداختند و فضای...

صفحه ۲

سیدحسن خمینی:

شورای شهر جای عملکرد سیاسی نیست

گروه سیاست: حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی در دیدار با رئیس و اعضای شورای اسلامی شهر تهران در حرم مطهر امام، با اشاره به اینکه نام مرحوم آیت‌الله طالقانی با شوراها پیوند ارزشمندی دارد، گفت: شورای پنجم مزین به نام مرحوم...

صفحه ۳

بوییینگ پرید؟

مشاور وزیر راه‌وشهرسازی از تأیید به‌تعویق افتادن تحویل هواپیمای آمریکایی خبر داد

شرق: آن‌قدر تعلل کردیم که ماهی از دستمان لیز خورد و رفت. ماجرا به تعلل در اجرای تعهدات مالی ایران در خرید هواپیماهای بوییینگ برمی‌گردد. مدیرعامل بوییینگ در اظهارنظری اعلام کرده که جایگزینی اماراتی برای هواپیماهایی که قرار بود در ناوگان ایران قرار بگیرند، پیدا کرده است و به‌این‌ترتیب، رؤیای بوییینگ ایران‌ایر که قرار بود در سال ۲۰۱۸ وارد ناوگان هوایی ایران شود، یک سال به عقب رفت. حالا باید منتظر باشیم تا مذاکرات ایران‌ایر و بوییینگ تا سال ۲۰۱۹ به کجا ختم می‌شود و آیا ایران خواهد توانست فاینانسور برای خرید هواپیما بیاید یا به روش‌های دیگر تأمین مالی متوسل خواهد شد. حالا دراین‌بین شرکت‌های هواپیمایی دیگر که در دریافت مجوز اوفک به در بسته خورده بودند، راه دیگری را انتخاب کردند و دست به دامن همسایه شمالی شدند. امضای تفاهم‌نامه برای خرید ۲۰ فروند هواپیمای سوخو۱۰۰ از سوی دو شرکت هواپیمایی آسمان و ایران‌ایرتور هم گواهی بر این ناامیدی است؛ اما آنچه ایجاد نگرانی کرده است، تلاش برای یافتن راه‌حلی برای رهایی از مجوز اوفک از سوی شرکت‌های هواپیمایی ایران است.

ادامه در صفحه ۴

گفت‌وگو با ابراهیم اصغرزاده

اصلاح‌طلبان بوروکرات شدند

عکس: سهند تاکی، شرق

گروه سیاست، مرجان توحیدی: می‌گوید سهمی از اشتباهات شورای شهر اول تهران را می‌پذیرم، اما مشروط بر اینکه همه، اشتباهات خود را بپذیرند. این صحبت ابراهیم اصغرزاده است؛ عضو شورای اول شهر تهران؛ پرمناقشه‌ترین شورا از بدو تأسیس تاکنون. حالا هم هر اتفاقی که در صحن شورای پنجم تهران رخ می‌دهد، همه حذر می‌دهند که مبادا به شورای اول تبدیل شود. بااین‌حال اصغرزاده معتقد است، مشکل آن شورا این بود که حرف هم را نمی‌فهمیدیم. علاقه‌مند نبود تا به‌طور ویژه درباره شورای اول حرف بزنیم، زمان بیشتری مدنظرش بود. به‌همین‌دلیل بحث را از موضوعات مبتلا به اصلاح‌طلبی آغاز کردیم و در میانه هم به شورای اول گریز زدیم. معتقد است طیفی درون اصلاح‌طلبی شکل گرفته که به گفته او اصلاح‌طلبان پفکی هستند؛ آنها که به‌هرقیمتی در توجیه وضع موجود برمی‌آیند و همین تفسیر را هم در انتخاب شهردار آینده دارند، اما او تأکید دارد ضمن رعایت برخی موارد باید ایستاد و حرف زد.

به نظر می‌رسد محقق‌نشدن برخی از شعارها و مطالباتی که مردم برای برآورده‌شدن آن به روحانی رأی داده‌اند، جوی از ناامیدی در بخش‌هایی از جامعه ایجاد کرده است. این حس شاید بیشتر بین جوانان و زنان و البته فعالان مدنی و اجتماعی به‌واسطه برخی از برخوردها ایجاد شده است؛ یعنی طبقه‌ای که در کمپین‌های انتخاباتی نقش ایفا کردند.

همین‌طور که شما گفتید، هیچ قدمی را در سال ۹۷ نمی‌توان برداشت، مگر اینکه به اعتراض‌های سال ۹۶ توجه کرد. فاصله بین دی ۹۶ و انتخاب آقای روحانی کمتر از هفت، هشت ماه بود. در این فاصله، تلاش برای مشارکت‌جویی بود و حتی تحریمی‌ها هم وارد عرصه شدند؛ اما در فاصله بسیار کوتاهی، جامعه یکباره احساس ناامیدی کرد، به این مفهوم که دولت توان تأمین مطالبات مردم را ندارد. همچنین حس بی‌اعتمادی به سیستم، به این مفهوم که توانایی تحقق مطالبات مردم را ندارد، تقویت شده و با هر حادثه‌ای هم تشدید می‌شود. مثل همین که ترامپ اعلام می‌کند قصد دارد از برجام خارج شود یا حوادث مختلف که در داخل ایران می‌افتد، به یک هذلولی مارپیچی تبدیل می‌شود که همواره در حال بزرگ‌ترشدن است. با وجود موفقیت چشمگیری که اصلاح‌طلبان و نیروهای حامی روحانی در نیمه نخست سال ۹۶ به دست آوردند، در شش ماه دوم سال نتوانستند از وضعیت دولت دفاع کنند. بخشی از این ماجرا به خود دولت بازمی‌گردد، مثل چینش کابینه، حضورنداشتن زنان در کابینه و بی‌توجهی به مطالباتی که در کمپین‌های انتخاباتی شکل گرفته بود، باعث شد حتی ذخیره روحانی در مسئله برجام، با آمدن ترامپ و تشکیل یک کابینه ضد ایرانی کم‌رنگ شود. این شرایط یکباره جامعه را ناامید کرد. طبعا در این فضا نیروهای مخالف و منتقد هم فضا را مناسب دیدند که علیه دولت کارشکنی کنند. این موضوعات باعث شد دولت روحانی اعتمادبه‌نفس خود را از دست بدهد. همین که می‌گوید وزیران من روزه سکوت گرفته‌اند، نشانه انفعال دولت و شخص روحانی در این چند ماه است. اصلاح‌طلبان هم نتوانستند وضعیت مخالف‌خوانی‌ها را به نفع خود تغییر بدهند.

الان بخشی از اصلاح‌طلبان به منتقدان آقای روحانی تبدیل شده‌اند، یعنی اگر تا چند ماه پیش به هر شکلی از هر اقدامی حمایت کرده یا آن را توجیه می‌کردند، الان صریح‌تر مطالبات معوق را گوشزد کرده یا نقد می‌کنند. بخشی از این مواجهه‌ها، موضوعاتی است که در زندگی مستقیم مردم نقش دارد، مثل مباحثی که درباره فضای مجازی پیش آمد. بخشی هم همین بگیروببندهاست که باز دولت در برابر آن کاری انجام نداده است.

من با شما در این قسمت تا حدودی اختلاف نظر دارم. به نظرم، اصلاح‌طلبان در درون دچار شکاف شده‌اند. گروهی که «اصلاح‌طلبان بوروکرات» هستند- یعنی اصلاح‌طلبانی که در هر شرایطی می‌خواهند وضع موجود را توجیه کنند- اینها معتقد هستند ما باید با همان فرمانی که جامعه را به دو دسته تندرو و کندرو یا افراطی و اعتدالی تقسیم می‌کند، جلو برویم. این گروه در دولت هستند و روزه سکوت هم گرفته‌اند. اینها فکر می‌کنند نباید حرفی بزنیم و بعد از اعتراض‌های ۹۶ هم اولین اقدام آنها این بود که معترضان را اغتشاشگر دانستند. برخی فکر می‌کنند اصلاح‌طلبی یعنی به‌نوعی وضع موجود را توجیه‌کردن. اینها بیشتر اصلاح‌طلبان پفکی و نمایشی هستند. اینها در مسئله شورای شهر و شهردار معتقدند شهردار باید کسی باشد که با همه بسازد یا درباره وزرا توصیه می‌کردند وزیری انتخاب شود که دستگاه‌های دیگر به آن اعتراض نداشته باشند.

ادامه در صفحه ۳

ضرغامی:

حصر را خیلی به رهبری وصل نکنید

عکس: رئوفه رستمی

صفحه ۱۵

سرمقاله

سیاست‌ورزی با جسد مومیایی رضاخان

احمد غلامی . سردبیر

کشف جسد مومیایی «رضاخان» که هنوز اظهارنظر قطعی درباره واقعی‌بودن یا نبودن آن از سوی مقامات رسمی ابراز نشده، به‌سرعت در فضای خموده سیاست ایران به موضوعی سیاسی تبدیل شد. کشف این جسد چندان مهم نیست، آنچه اهمیت دارد این نکته است که از طریق این رویداد می‌توان به وضعیت سیاست داخلی پی برد و آن را از زاویه‌ای دیگر تحلیل کرد. رضاخان همچون غالبِ چهره‌های تاریخی دیگر ایران چهره‌ای چندوجهی است. اما آنچه همگان به آن باور دارند و اکثر روشنفکران در آن اتفاق‌نظر، این است که رضاخان دیکتاتوری تمام‌عیار بوده است، گیرم اصلاح‌طلبانی ازجمله صادق زیباکلام و تئوریسین‌های «لیبرال» با ایده دیکتاتوری مصلح بخواهند نقاب بر چهره رضاخان بگذارند و تاریک‌ترین وقایع تاریخی آن دوره را با این الفاظ نادیده بگیرند و واقعیت را مخدوش کنند. شاید برای اینکه مخاطبان بتوانند چهره واقعی رضاخان را فارغ از هرگونه پیشداوری به قضاوت بنشینند، این گفته گرامشی قابل‌اعتنا باشد: «قیصرگرایی[ها] از اهمیت تاریخی یکسانی برخوردار نیستند. در تاریخ می‌توان اشکال مترقی و مرتجع قیصرگرایی را سراغ گرفت. در تحلیل نهایی، اهمیت ویژه هر یک از این اشکال را صرفا می‌توان از بستر تاریخ عینی، و نه‌تنها به‌مدد قوانین جامعه‌شناختی، استنتاج کرد. قیصرگرایی زمانی مترقی است که ظهور و حضور آن به پیروزی نیروهای مترقی انجامد. در مقابل، قیصرگرایی زمانی ارتجاعی است که ظهور و حضور آن موید پیروزی نیروهای ارتجاعی باشد». موضوع این یادداشت روایتِ تاریخی زندگی رضاخان نیست، آنچه این یادداشت در پی آن است ترسیم وضعیت نیروهای سیاسی موجود کشور است که کارایی لازم برای اثرگذاری بر رویدادهای این‌چنینی را از دست داده‌اند و توان لازم برای متقاعدساختن مردم را ندارند و در بهترین حالت اگر با عوام همصدا نشوند، در برابرشان سکوت اختیار خواهند کرد. این نقطه‌عطف کنونی تاریخ سیاست داخلی ماست که همه نیروهای سیاسی در وضعیت صفر مرزی قرار دارند و این وضعیت خطرناکی است. زمانی که طبقات اجتماعی، نیروهای سیاسی را به‌عنوان سخنگوی رسمی خود به رسمیت نشناسند، صحنه برای راه‌حل‌های رادیکال، خشن و فعالیت نیروهای ناشناخته‌ای آماده می‌شود که معمولا نمایندگی خود را در شخصیت‌های «سرنوشت‌ساز» یا «تمام‌کننده» جستجو می‌کنند. از این منظر کشف جسد مومیایی رضاخان و روایت‌سازی‌های سیاسی تاریخی از آن معنایی قابل‌تأمل می‌یابد. این روایت‌سازی‌ها که در آینده قابلیت ایجاد کنشی سیاسی را فراهم می‌کند، زنگ خطری است برای کنشگران سیاسی و روشنفکران داخل و خارج ایران. آنچه اکنون دولت روحانی را ناکارآمد جلوه می‌دهد، بی‌رونقی سیاست داخلی است که نتیجه بی‌کنشی احزاب و مجلس است. چه به احزاب سیاسی ایران باور داشته باشیم و چه نه، این احزاب هستند که به رابطه وکیل و موکل معنا می‌دهند. گیرم که این احزاب نماینده تام‌وتمام نیروهای اجتماعی نباشند، در این شرایط هم باید از قدرتی نسبی برای کنشگری سیاسی برخوردار باشند تا بتوانند در شرایط خاص صدای مردم شوند. اگر این‌گونه نشود و تضاد بین وکیل و موکل به دولت سرایت کند، نهادهای بوروکراتیک کشوری و لشکری که در کش‌وقوس‌های افکار عمومی نسبتا مستقل عمل می‌کنند، دست بالا را خواهند داشت و این موقعیت به آنان امکان می‌دهد در موقع لزوم و اضطرار به‌عنوان یک نیروی سیاسی وارد فعالیت علنی خود شوند. نیروهایی که حضورشان با این منطق توجیه‌پذیر است؛ «حکومت قانون» در خطر است. شرایطِ دولت روحانی شرایط شکننده‌ای است که بر وضعیت احزاب و نیروهای سیاسی تا خورده است. ناگفته پیداست عناصری بَدخیم که در پرتو آنها برخی نهادها می‌توانند قدرت بگیرند، در دولت روحانی وجود دارد. بعد از ناکارآمدی ناخواسته برجام، تصویر دولت روحانی در اذهان مردم، تصویر دولت ناکام است.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

نگاه انتقادی به یادداشتی درباره رضاشاه

فریدون مجلسی
تحلیلگر روابط بین‌الملل

یادداشت‌های آقای نعمت احمدی، وکیل دادگستری و کارآفرین و فعال عرصه کشاورزی را با تحسین می‌خوانم و می‌آموزم. یادداشت روز پنجشنبه ایشان در «شرق» درباره جسد منتسب به رضاشاه نیز برایم جالب و نیز یادآور خاطرات کهنه بود. به‌خوبی به یاد دارم با بزرگ‌ترها در خیابان ولیعصر کنونی قدری پایین‌تر از کاخ مرمر، شاهد تشریفات نظامی حمل جسد روی یک عراده توپ بزرگ بودم. قطعا سن آقای احمدی به چنان خاطره‌ای قد نمی‌دهد؛ اما ضمن اعتقاد به تداخل سیاست و حقوق، تصور می‌کنم دیدگاه سیاسی که اتکای بیشتری به تاریخ دارد، با دیدگاه حقوقی که قانون‌محورتر است، تفاوت‌هایی دارد. در بررسی تاریخی اتفاق بسیار مهم نهضت ملی نفت ایران نیز که آن را از نوجوانی از نزدیک و اتفاقا باعلاقه و جانبدارانه شاهدش بودم، به همین اختلاف تحلیل سیاسی و حقوقی برخوردم. وقتی ادعاهای مبالغه‌آمیز کامیابان در قیام ملی و ناکامان در توجیهات متناقض شکست و سرنگونی از سویی به دست چاقوکشان و از سویی دیگر به دست نامرئی ابرقدرت‌های آمریکا و انگلیس و نادیده‌گرفتن عنصر اصلی داخلی یعنی میزان تسلط یا تسلط‌نداشتن حکومت بر عوامل و عناصر مسلح اعمال قدرت برایم قانع‌کننده نبود، به این نتیجه رسیدم که مرحوم مصدقِ حقوق‌دان، در تحلیل‌ها و تصمیم‌های خود به «حق و حقوق ملی» یا آنچه مدعی حقانیت ملی و شخصی خود می‌دانست، استناد و بر مبنای آن عمل می‌کرد؛ اما در سیاست، اصولا «قدرت» عملی برای نیل به «منافع ملی» و البته نه شخصی‌محور است و حقوق ملی می‌تواند هدف غایی منوط با داشتن «قدرت» باشد. منظور از این مثال و تشبیه، رسیدن به یکی، دو نکته و ایراد سیاسی و تاریخی شاید از دیدگاهی حقوقی در امری سیاسی باشد. آقای احمدی در ترجمه درجه نظامی، میرپنج به معنی سرتیپ را به سرهنگ تخفیف داده‌اند که شاید به مصلحت نزدیک‌تر بوده باشد؛ اما در چند سطر پایین‌تر مرقوم فرموده‌اند: «سقوط دولت عثمانی و مهم‌تر از همه انقلاب اکتبر روسیه و خروج این کشور از معادلات سیاسی- منطقه‌ای، دولت انگلیس را واداشت تا برای حفظ مستعمره خود، هند، تلاش بیشتری کند و با انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ با وثوق‌الدوله، عملا استقلال ایران را از بین ببرد که با مخالفت نمایندگان مجلس و دلسوزان کشور به نتیجه نرسید. سرانجام رضاخان در سوم اسفند سال ۱۲۹۹ تهران را اشغال کرد که از آن با نام کودتای سوم اسفند یاد می‌کنند؛ کودتایی که «ردپای دولت انگلیس و ژنرال آیرون‌ساید، افسر انگلیسی، در آن کاملا پیدا بود». البته کلیشه‌ای آشناست؛ اما از پژوهشگری فرهیخته انتظار می‌رود به تضاد صغری و کبری همین جمله بیندیشند. بله دولت انگلیس همواره به موجودیت نیم‌بند ایران به‌عنوان سدی برای ممانعت از آزمندی امپراتوری توسعه‌طلب روسیه نسبت به هند می‌اندیشید؛ اما اگر چنان که مرقوم فرموده‌اند، انقلاب اکتبر روسیه موجب «خروج این کشور از معادلات سیاسی- منطقه‌ای» شد، دیگر چه نیازی بود انگلستان «برای حفظ مستعمره خود، هند، تلاش بیشتری کند»؟ همچنین آورده‌اند «و با انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ وثوق‌الدوله عملا استقلال ایران را از بین ببرد». آن «توافق برای قرارداد» هرگز «منعقد» و تبدیل به «قرارداد» نشد. نوشته‌اند انعقاد آن «با مخالفت نمایندگان مجلس و دلسوزان کشور به نتیجه نرسید،». اما مجلس تعطیل بود و هرگز چنان لایحه‌ای که از دستور کار دولت‌های بعدی هم خارج شد، به مجلس نرفت؛ اما چنان که فرمانفرما و مرحوم مصدق در مقام والیان فارس بزرگ آگاه بودند، پلیس جنوب در حیطه ولایت ایشان عملا فعال بود و ناچار به تعامل کج‌دارومریز با آن بودند. درباره رد پای دولت انگلیس و آیرون‌ساید نیز ابهامی مانند استناد به همان قرارداد وجود دارد. سؤال من این است؛ این آیرون‌ساید چه‌کاره بود؟ ناگهان در شمال ایران چه می‌کرد و چه مأموریتی داشت؟ جمعا «چه مدت» در ایران اقامت داشت؟ در قزوین چه می‌کرد و چرا برای نخستین‌بار چند روز پیش از کودتا با سیدضیا در آنجا دیدار کرد؟ رضاخان، چند روز پیش از حرکت به تهران برای کودتا و در شرایطی که هشت ماه حقوق افرادش پرداخت نشده بود، اصلا چه زمانی از ایده کودتا باخبر شد؟ آیا دخالت ژنرال آیرون‌ساید و انگلیس صرفا در این بود که گفتند سیدضیاءِ یا میرپنج! «برو کودتا کن ما داریمت!» یا پول، تدارکات و عملیاتی در کار بود؛ آن هم برای روی‌کارآوردن کسی که دولتش سه ماه بیشتر نپایید؟ پس دلیل مخالفت انگلیس با اعزام کاردار سفارت همراه با نمایندگان احمدشاه و سپهدار رشتی، نخست‌وزیر، به کاروانسرای سنگی برای جلوگیری از کودتا که در صورت‌جلسه هیئت وزیران انگلیس نیز انعکاس یافته، چه بود؟ البته مخالفت کمونیست‌های ایران و بعدا حزب توده با موضع آنها درست بود؛ زیرا روسیه از معادلات جهانی خارج نشده بلکه نام آن تبدیل به شوروی شده بود و در ایران نیز نیروهای آن کشور در انزلی پیاده شده و جمهوری شوروی سوسیالیستی گیلان را تشکیل داده و در آذربایجان هم به تدارک مشغول بودند.

ادامه در صفحه ۴

تیترها

نظر دادستان کل درباره فیلم گشت ارشاد

صفحه ۱۵

پول‌های کثیف چه‌وقت فیلتر می‌شوند

صفحه ۶

دفن مومیایی

خبرهای تأییدنشده از به‌خاک‌سپردن دوباره جسد کشف‌شده در شهرری

صفحه ۱۳

۲ کره برای خلع سلاح هسته‌ای در شبه‌جزیره توافق کردند

صفحه ۷

اخراج به دلیل سرپیچی

صفحه ۵

مراسمی جدی اما با طعم خندوانه!

صفحه ۱۰

حرف اول

اگر کار از دست خارج شود...

احمد عظیمی‌بلوریان
استاد پیشین دانشگاه مریلند

نزدیک ۴۰ سال از حمله صدام به ایران می‌گذرد. تأثیر این حمله را بر «۱» حرکت مهاجرتی مردم درون و برون کشور، «۲» اقتصاد ملی و «۳» هزینه‌های بازسازی شهرها و روستاهای تخریب‌شده دیده‌ایم. ایران به‌دلیل محاصره اقتصادی تحمیل‌شده از سوی غرب به‌ویژه آمریکا، بیشتر هزینه‌های بازسازی را از جیب بودجه خود پرداخته است. بگذریم از مصائب بی‌خانمانی مردم در دوران بازسازی. نگارنده نقش مهمی در برآورد خسارات جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ایفا کرده و گزارش نهایی آن را هم به دستور سازمان برنامه وقت تهیه کردم که برای استفاده مجامع بین‌المللی به انگلیسی هم برگردانده شد. محاسبه سرانگشتی هزینه‌های بازسازی - از تخریب کامل هر شهر یا روستا تا بازسازی آن - کار مشکلی نیست. به زبان ساده، می‌توان هزینه را برای یک شهر با درنظرگرفتن بازسازی سیستم‌ها و شبکه‌های زیربنایی و روبنایی و آماده‌سازی آن برای اسکان حساب کرد . آن را به‌صورت فنی برای همه مناطق جنگ‌زده بسط داد تا کل هزینه بازسازی به دست آید. تأثیر این هزینه‌ها بر اقتصاد کشور مانند تأثیر توفان و خشک‌سالی بر منابع آب کشور است. خشک‌سالی امسال اشک مسئولان ایران را درآورده است. این هزینه‌ها را از کل امکانات اقتصادی کشور برای آبادانی در شرایط عادی کسر کنید، خواهید دید نه‌تنها چیزی باقی نمی‌ماند بلکه بدهکار هم می‌شویم. اکنون به کشورهای تخریب‌شده در منطقه - به‌ویژه سوریه و یمن - بنگرید؛ این کشورها نیز به‌دلیل محاصره‌شدن از سوی زورمندان بین‌المللی و نابیان منطقه‌ای آنها دچار فقر اقتصادی بوده و هستند. بازسازی آنها آرزوی کشورهای محاصره‌کننده است. بازسازی خرابی‌ها بهترین بازار کار را برای شرکت‌های اروپایی و منطقه‌ای آن‌هم برای یک دوره کامل ۳۰، ۴۰ ساله فراهم می‌کند. برای ما ایرانیان، یک راه برخورد با رویدادهای ضد ایرانی این است که فکر کنیم آنچه از شهر و روستا و صنایع و سیستم‌های زیربنایی و روبنایی درحال‌حاضر در ایران داریم حاصل اقدامات بازسازی پس از یک جنگ خانمان‌سوز با همان کشورهایی است که سوریه یا یمن را به‌صورت کنونی تخریب کرده‌اند. باید از آنچه داریم محافظت کنیم و راه‌های دیپلماتیک و ظرفیت‌ها را فعال‌تر کنیم. از برخی بی‌احتیاطی‌ها می‌توان پیشگیری کرد.

ادامه در صفحه ۴

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@ SHARGHDAILY.IR

نوبت دوم
جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارائی
گمرک ایران
آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
شرح در صفحه ۳